

بِسْمِ اللَّهِ الرَّحْمَنِ الرَّحِيمِ

﴿يُؤْتِي الْحِكْمَةَ مَنْ يَشَاءُ وَمَنْ يُؤْتَ الْحِكْمَةَ فَقَدْ أُوتِيَ خَيْرًا كَثِيرًا
وَمَا يَذَّكَّرُ إِلَّا أُولُو الْأَلْبَابِ﴾

 **در اسلام، پول نباید کار بکند**

آیت الله حائری شیرازی

فهرست مطالب

- در اسلام پول کار نمی‌کند، کاری کنید پول کار نکند ۱۰
- در قضیه سلمان رشدی مردم فعّالانه به میدان آمدند ۱۲
- در حکم بانکداری اتفاقی صورت نگرفت! ۱۵
- معمایی که حل شد! ۱۹
- حل معما کافی نیست و اراده جمعی نیاز است ۲۹
- هرجا با امام علیه السلام رفتیم به همه جا رسیدیم ۳۱
- ربا در جامعه، نظام ترازویی ایجاد می‌کند ۳۶
- راه های تجربه شده در ارتباط با پول و بانک ۴۱
- امام راحل فتوای یافتن نقشه راه را از اول انقلاب دادند ۴۴
- چه باید کرد؟ ۴۶

بگرفته آســـــمان مرا ابر پاره ای
 روشن نمی کند قفسم را ستاره ای
 مهپاره ای به ظلمت حبسم فکند و رفت
 چون در فضای نیـــــمه شبی ماهواره ای
 در بند عشق دیر بماندم که شد پدر
 در زادگاه من پسر شیـــــر خواره ای
 و آن دختری که خفت به گهواره مادریست
 که اکنون ترانه خوان به هر گاهواره ایست
 غفلت شراره ای است که برپاکند حریق
 آوخ که سوخت خرمن عمرم شراره ای
 من آن غریق لجه ی عشقم که در کفم
 از زندگی نمانده بجز تخته پاره ای
 می میـــــرم و دریـــــغ نسیم مروتی
 این تخته پاره را نکشد زی کناره ای
 از مرگ هیچ چاره نمانده است، مانده ام
 عمری در این شکنجه به امید چاره ای^۱

۱- اشعار فوق سروده‌ی آقای کرامت الله استخری سبزواری در زندان است. این اشعار چون تطبیق حالات کسانی است که در ظلمت علوم انسانی غرب هستند و سرنوشت آنان با آنچه شاعر در حوزه خودش به آن گرفتار است یکی است، چون قابل توجه بود، آن را به عنوان قند آغاز کلام به کار گرفتیم.

در سه قضیه‌ی «دفاع مقدس»، «بانکداری اسلامی» و «سلمان رشدی»، امام راحل علیه السلام برای هر کدام یک حکم اولیه و یک حکم ثانویه داشتند. در دفاع مقدس حکم اولیه‌ی امام راحل همان جمله‌ی معروف ایشان «جنگ جنگ تا رفع فتنه» و «جنگ جنگ تا پیروزی بود»، اما وقتی بعد از هشت سال شرایط عوض شد، تکلیف اولی به حکم ثانوی مبدل شد و قبول قطعنامه و صلح رسمی غیر تاکتیکی با عراق وظیفه گردید. در این حال امام چون به نیابت عامه مفترض الطاعه بود، صلح هم لازم الاتباع شد.

در قضیه‌ی «دفاع مقدس» و در انتقال از حکم اول به دوم، انگیزه برای هزینه‌ی همه چیز مهیا بود. صحنه‌ی حضور مشحون از زن و مرد و کوچک و بزرگ اعم از کارگر، کشاورز، دانشگاہیان، اصحاب قلم، بازاریان، طلاب و روحانیون است که با وحدت، مسئولان را به تلاش بیشتر برای برآورده شدن مطالبات امام راحل علیه السلام تحریک و تشویق می‌کنند در جنگ مردم وظیفه‌ی خود دانستند که به میدان آیند و حماسه‌ها و ایثارها آفرینند که شاهد آن صدها هزار شهید و جانباز و

اسیر و آن همه صرف اموال و نفوس و ویرانی و قبول تمام جراحات و صدمات ظاهری و غیر ظاهری است که نشان از ظرفیت فرهنگی مردم و سلامت اسلامی آنها می‌داد؛ نشان می‌داد که اسلام در تربیت جدی و خداجویانه‌ی فرزندان خود موفق بوده است. مردم در جنگ نتیجه آن چه را که به میدان آوردند دیدند و تا آن جا که می‌بایست برسند رسیدند. امام راحل علیه السلام در جنگ نتایج بسیار عظیم برای انقلاب در داخل و سطح بین‌الملل گرفتند. ایشان درباره آثار ارزشمند دفاع مقدس در اعلامیه منشور جنگ می‌نویسند: «در جنگ پیروزی از آن ملت ما گردید و دشمنان در تحمیل آن همه خسارات چیزی بدست نیاوردند. البته اگر همه علل و اسباب را در اختیار داشتیم، در جنگ به اهداف بلندتر و بالاتری می‌نگریستیم و می‌رسیدیم ولی این بدان معنا نیست که در هدف اساسی خود که همان دفع تجاوز و اثبات صلابت اسلام بود مغلوب خصم شده‌ایم. هر روز ما در جنگ برکتی داشته‌ایم که در همه صحنه‌ها از آن بهره‌جسته‌ایم. ما انقلابمان را در جنگ به جهان صادر نموده‌ایم. ما مظلومیت خویش و ستم متجاوزان را در جنگ ثابت نموده‌ایم. ما در جنگ پرده از چهره تزویر جهانخواران کنار زدیم. ما در جنگ دوستان و دشمنانمان را شناخته‌ایم. ما در جنگ

به این نتیجه رسیده‌ایم که باید روی پای خودمان بایستیم. ما در جنگ ابهت دو ابر قدرت شرق و غرب را شکستیم. ما در جنگ ریشه‌های انقلاب پربار اسلامی مان را محکم کردیم ... و از همه این‌ها مهم‌تر استمرار روح اسلام انقلابی در پرتو جنگ تحقق یافت...». در فراز آخر، ایشان مهم‌ترین دستاورد جنگ را ظرفیت بصیرت و صبر مردم عنوان می‌کنند؛ چیزی که به هیچ وجه مورد رسوخ و سوسه‌های بیگانگان قرار نگرفت. خدا به امام جزای خیر و به رهبر حاضر شهد رضایت اهل بیت و نگاه مشفقانه شب و روز عطا فرماید و گوارایش باد..

در اسلام پول کار نمی‌کند کاری کنید پول کار نکند

در مسأله بانکداری، حکم اولیه امام به عنوان نیابت عام این بود: «در اسلام پول نباید کار بکند، کارشناسان و علما در این مسأله بسیار فعالیت کنند دقت کنند که ما را از این گرفتاری نجات دهند». این فرمان را امام در جلسه‌ای که وزرای امور اقتصاد و دارایی و کشاورزی و رئیس بانک مرکزی ... بودند بیان کردند؛ ایشان در آن جلسه گفتند:

«اگر ربا در یک کشوری مثل کشور ما خدای نخواستہ باز در بانکش باز در تجارتش در بین مردمش باشد، ما نمی‌توانیم بگوییم کہ جمهوری‌مان جمهوری اسلامی است و محتوی جمهوری اسلامی است. از این جهت باید کارشناسان و علما در این مسأله بسیار فعالیت کنند دقت کنند کہ ما را از این گرفتاری نجات دهند و ملت ہم باید توجہ بکنند از این کہ مواجه هستند با یک همچو چیزی کہ قرآن کریم می‌فرماید: ﴿فَادْثُبُوا بِحَرْبٍ مِنَ اللَّهِ وَرَسُولِهِ﴾^۱ اعلام جنگ بکنید با خدا و اگر چنانچه بانکداری به آن معنایی کہ در جاهای دیگر هست رواج پیدا بکند، مردم از صنعت و کار و سایر چیزها باز می‌مانند و می‌نشینند توی خانه‌ها و پولشان برایشان کار می‌کند و حال آن کہ پول نباید کار بکند»^۲

اما بعد از مدت کمی، حکم ثانوی کہ همین قانون بانکداری بدون رباست صادر شد کہ هر دو حکم لازم الاتباع بود. بین حکم اولی و حکم ثانوی فاصله زمانی چندانی نیست و تفاوت در نوع حکم است.

۱- بقره/۲۷۹: «و اگر چنین نکردید بدانید [به جنگ با خدا و فرستاده‌ی وی برخاسته‌اید]»

۲- بیانات امام علیه السلام در جمع وزرای امور اقتصادی دارایی، کشاورزی و رئیس بانک مرکزی

در حکم فوق، ایشان هم حکم اسلام را بیان کردند، یعنی گفتند: «در اسلام پول نباید کار بکند» که ناظر به قرض الحسنه صفر بهره به هر مدت و به هر مقدار و ممنوعیت فرمول مباحه است و هم دستور «یافتن نقشه راه» را دادند و فرمودند: «کاری کنید پول کار نکند»؛ یعنی فکر کنید و راه حل کار نکردن پول را پیدا کنید و این فرمان لازم الاتباع بود.

در قضیه سلمان رشدی مردم فعالانه به میدان آمدند

در مسأله سلمان رشدی^۱، حکم اولیه و تهدیدهای به شدت کوبنده‌ی امام راحل در مورد سلمان رشدی و هواداران و مریبان و حتی

۱- سلمان رشدی هندی الاصل مقیم انگلیس و عضو «انجمن سلطنتی قلم انگلیس»، در کتاب آیات شیطانی وقیحانه به مقدسات اسلام و قرآن کریم و مقام شامخ پیامبر اکرم ﷺ در قالب رمانی مستهجن و ضد اخلاقی اهانت می‌کند. محافل صهیونیستی و دولت امریکا و جهان غرب به حمایت از انتشار این کتاب برخاستند و حضرت امام خمینی علیه السلام با صدور فتوای ارتداد رشدی و وجوب قتل وی و ناشرین کتاب، به مقابله با هجوم

کشورهای حامی آن شخص و مسئولین آن کشورها، برای ما هزینه‌ی زیاد داشت.^۱ در این رابطه دنیا با ما قطع ارتباط کرد و بر ضد امام بسیار تبلیغ شد و جوّ آتشینی عالم را فرا گرفت و چقدر فشار بر نظام آمد و فحش‌ها و حرف‌های مفت در رسانه‌ها، بدون ریشه و اساس پخش شد؛ اما همه را تحمل کردیم و در نهایت عالم را بردیم و وقتی حجت تمام شد، همان مؤیدهای مهدور الدّم برای آشتی آمدند و عذرخواهی کردند. امام راحل علیه السلام با فتوای قتل سلمان رشدی نتایج عظیم برای

فرهنگی دشمنان اسلام برخاستند و این موجی از بیداری و مقاومت در جهان اسلام پدید آورد.

۱- بسمه تعالی

إنا لله و انا الیه راجعون. به اطلاع مسلمانان غیور سراسر جهان می‌رسانم مؤلف کتاب «آیات شیطانی» که علیه اسلام و پیامبر و قرآن، تنظیم و چاپ و منتشر شده است، همچنین ناشرین مطلع از محتوای آن، محکوم به اعدام می‌باشند. از مسلمانان غیور می‌خواهم تا در هر نقطه که آنان را یافتند، سریعاً آن‌ها را اعدام نمایند تا دیگر کسی جرأت نکند به مقدسات مسلمین توهین نماید و هر کس در این راه کشته شود، شهید است ان‌شاءالله. ضمناً اگر کسی دسترسی به مؤلف کتاب دارد ولی خود قدرت اعدام او را ندارد، او را به مردم معرفی نماید تا به جزای اعمالش برسد. والسلام علیکم و رحمه الله و برکاته. روح الله الموسوی الخمینی.

انقلاب گرفتند و قیام مسلمانان و شکستن هیمنه و ابّهت ابرقدرت‌ها و بی اثر شدن قطعنامه ۵۹۸ از آن جمله بود. در این جریان نه تنها مسلمانان کشور ما بلکه مسلمانان عادی تمام کشورهای اسلامی با ایشان بی‌خاستند و قیامت جهانی اسلام واقع شد و هواداران بسیار برای اسلام و انقلاب به میدان آمدند. بالاخره در مواردی حکم ثانوی نسبت به بعضی از احکام صادره در این فرمان صادر شد که همین وضعیت فعلی معاشرت و مماشات با کشورها است و صحبتی از آن جریان در میان نیست. در این رابطه چون امام به نیابت عامه مفترض الطاعه بود، حکم ثانوی نیز لازم الاتباع شد و گرنه سلمان رشدی کماکان مهدورالدم است و معنی این کار این نیست که اگر مؤمنی توانست سلمان رشدی را معدوم کند و فرمان امام راحل را اجرا نماید مردود است؛ این امر بسته به نظر ولی فقیه حاضر است.

در حکم بانکداری اتفاقی صورت نگرفت!

انتقال از حکم اولی به ثانوی در سه قضیه قانون بانکداری و حکم سلمان رشدی و دفاع مقدس مثل یکدیگر است با این تفاوت که فاصله زمانی حکم اولیه و ثانویه در بانکداری اسلامی با دو قضیه دیگر فرق می‌کند. اگر از نظر زمانی احکام اولیه سه قضیه را مرتب کنیم، می‌بینیم که صدور آن‌ها به ترتیب اول بانکداری اسلامی و دوم دفاع مقدس و سوم فرمان قتل سلمان رشدی است، اما در احکام ثانویه می‌بینیم که اول قانون بانکداری بدون ربا و دوم جریان سلمان رشدی و سوم دفاع مقدس است. نتیجه‌ای که گرفته می‌شود این است که اولاً فاصله زمانی بین حکم اولیه و حکم ثانویه که همین قانون فعلی بانکداری بدون ربا است بسیار کم است و امام راحل خیلی زود از حکم اول به حکم ثانوی رسیدند، ثانیاً از آن همه حضور و تأکیدات مردمی، در فتوای بانکداری خبری نیست و این جای تأمل دارد.

طبیعتاً یأس از حکم اولی یا چیزی نزدیک به یأس پیش آمده بود که حکم تغییر کرد. امام راحل علیه السلام امید نداشتند در آن مقطع، جامعه

و نظام بتوانند کاری کنند که جلو کار کردن پول را بگیرند. مقام معظم رهبری (حفظه الله) بعدها پرده از این درد دل امام علیه السلام برداشتند و فرمودند: «علوم انسانی باید از قرآن گرفته شود». ایشان در جای دیگر فرمودند: «علوم انسانی را یاد بگیریم تا بتوانیم شکل بومی آن را خودمان تولید کنیم و در آن مقلد نباشیم و آن را به دنیا صادر کنیم»^۱. یعنی علوم انسانی غرب جز بر کار کردن پول چیز دیگری را قبول ندارد؛ باید آن را مطالعه کرد و نقاط تاریک آن را نورافکن انداخت و از این مسیر، یک اقتصاد برتر، جامعه شناسی برتر و ... روی هم می‌حرف‌ها به عالم عرضه نمود. به عبارت دیگر طبق قاعده «لا ینتشر الیهدی الا من حیث انتشر الضلال»^۲، باید از همان راهی که ضلالت کنونی در مسائل پیدا شده، از همان راه وارد شد و امور را اصلاح کرد. یعنی همچنان که امام راحل علیه السلام فرمودند راه قدس از کربلا می‌گذرد، راه نجات از بقایای علوم انسانی غرب نیز از علوم انسانی اسلامی

۱- بیانات در دیدار جمعی از دانشجویان مورخه ۹۰/۵/۱۹

۲- ظاهراً این جمله از مرحوم آیت الله سید شرف‌الدین عاملی علیه السلام است.

می‌گذرد، زیرا حذف بهره و اصلاح امور جز با کنار گذاشتن بقایای علوم انسانی غربی و رجوع به علوم انسانی اسلامی عملی نیست.

علوم انسانی بحثی است که حوزه ناب آن را در قالب آیات و روایات دارد، اما گندمی است که آسیاب و خمیر و نان نشده و نمی‌توان آن را سر سفره حکومت گذاشت؛ باید جریان علمی طاغوت را مطالعه کرد و از همان راه، جریان علمی الهی راه انداخت که اگر چنین نکنیم، در آخر الزمان مجبوریم احکام دینمان را از علمای یهود و نصاری بگیریم؛ همین که الآن در مسأله بانک دچارش شده‌ایم!

در مباحثه ای که در رابطه با بانکداری بین دانشگاه به عنوان نماینده علوم انسانی غرب و حوزه به عنوان نماینده علوم انسانی اسلامی پیش آمد، علوم انسانی غرب در بحث جلو بود و حرف خود را به کرسی نشاند، زیرا حوزوی‌ها از اسلام خبر داشتند اما از علوم انسانی اسلامی که محصول آیات و روایات است خبر نداشتند. حل معمایی که امام راحل علیه السلام مطرح کرده بود که «کاری کنید پول کار نکند»، مسأله ای نبود که بازمان تنها و دستور و فشار و امثال آن حل شود.

چو در طاس لغزنده افتاد مور رهاننده را چاره باید نه زور
 از آن جا که چاره‌ی کار تنها در محصول علوم انسانی اسلامی بود، باید
 خواسته امام راحل علیه السلام از آن راه حاصل می‌شد و امام، بحق امیدی به راه
 حل خلق الساعه نداشتند. در آن زمان حتی اگر راه حل حقیقی ارایه
 می‌شد، اصولاً چه کسی می‌پذیرفت و برای چه کسی قابل قبول بود و
 اصولاً چگونه قابل اجرا می‌بود؟ زیرا اولاً حوزه نطقش در مصطلحات
 علوم انسانی باز نشده بود و زیاد با مفاهیم کاربردی سر و کار نداشت،
 ثانیاً دانشگاه بر ضد کار نکردن پول و دفاع از کار کردن پول حرف و
 فکر اهل عالم را می‌زد و ثالثاً تولید ملی در حدی نبود که راه حلّی
 بتواند کارایی داشته باشد.

حال که پول رایج جهانی^۱ و از جمله پول ما اعتبار در اعتبار
 است، راه چاره چه بود؟ می‌گفتیم از عالم قطع رابطه کنیم تا مبتلا به

۱- منظور از «پول رایج جهانی» پولی است که پشتوانه آن تولید ناخالص ملی است و به آن «پول اعتباری» نیز گفته می‌شود؛ یعنی پولی که ارزش ذاتی ندارد. بقول یک کارشناس آمریکایی در جریان بحران کنونی غرب و جنبش وال‌استریت: «پول اعتباری از هوا بدست

تعطیلی قرض الحسنه و آلودگی به بهره نشویم، اما این راه چاره نبود! راه دیگر این بود که اعلام می کردیم چون عصر جدید است دوره‌ی حکم اسلام تمام شده است، اما این همان خواسته‌ی اجانب است که آرزویش را داشته و دارند! راه سوم قانون بانکداری بدون ربا بود که امام راحل وقت را تلف نکرد و آن را صادر کردند.

معمایی که حل شد!

بنده خدایی با توجه به فرمان لازم الاتباع امام راحل علیه السلام که فرمودند کاری کنید پول کار نکند^۱، راهکار نشان داد و گفت: راه جلوگیری از کار کردن پول آن است که پولتان را از پول اهل عالم ماهیتاً جدا کنید.

می‌آید و حالت خاکستر دارد که هر لحظه ممکن است با وزش نسیمی ملایم در هوا ناپدید گردد؛ پولی است که تورم در آن مانند موجودی وحشی است که اگر یکبار آزاد شد، معلوم نیست از کجا سر در می‌آورد و کجا می‌توان او را دوباره به دام انداخت.

۱- «کارشناسان و علما در این مسأله بسیار فعالیت کنند دقت کنند که ما را از این گرفتاری نجات دهند» از بیانات امام در جمع وزرای امور اقتصادی دارایی کشاورزی و رئیس بانک

از او پرسیدند مگر پول اسلام با پول اهل عالم چه فرق دارد؟ گفت فرقی این است که پول اسلام کالای اعتبار یافته است اما پول رایج جهانی کاغذ اعتبار یافته است. پول اسلام کالایی است که اعتبار پولی یافته اما پول جهانی اعتباری است که بر آن اعتبار پولی آمده است؛ یعنی تولید ناخالص ملی که پشتوانه پول‌های رایج جهانی است، اعتباری است و اسکناس هم که اعتباراً پول نامیده می‌شود؛ پس پول رایج جهانی اعتبار در اعتبار است. چنین پولی چون پشتوانه مشخص کالایی ندارد، اعتبار آن برود دیگر معلوم نیست کی برگردد و با تغییر اعتبار، تغییر ارزش پیش می‌آید و با تغییر ارزش همه‌ی مبادلات معلق می‌شوند و تابع روز خواهند شد. معلوم است با چنین پولی اصلاً قرض معنا ندارد؛ یعنی چی بدهند که پس بگیرند! حتی برای یک لحظه هم پول ثابت نیست؛ نه فرار از بهره و نه پناه به قرض؛ هر دو با چنین پولی که اعتبار در اعتبار است محال می‌باشد!

از ایشان پرسیدند اگر بخواهیم به پول صیغه‌ی اسلامی بخوانیم چکار کنیم؟ گفت راه اسلامی کردن پول این است که چون در شرایط

حاضر پول نمی‌تواند از جنس طلا و نقره باشد، می‌شود طلا و نقره را به میزان معین پشتوانه اسکناس کرد؛ به این صورت که «تولید ناخالص ملی»^۱ را که فعلاً عنوان پشتوانه پول رایج جهانی را دارد، با سکه بسنجیم و اسکناس را بر مبنای اجزاء و اضعاف سکه قیمت‌گذاری کرده و به اندازه ارزش مسکوک، معادل از تولید ناخالص ملی سهمی برای هر قطعه اسکناس قرار دهیم؛ چنین اسکناسی چون معادلی از اجزاء و اضعاف سکه دارد، در حکم سکه با قیمت ثابت است؛ اسکناسی است با پشتوانه سکه که اصلش کالا و لباسش اعتبار پولی است. با این روش، اسکناس در حکم طلا و نقره خواهد بود و کالایی تعهد آور است و مؤسس تنها ضامن مقدار طلا و نقره پشتوانه شده است و ضامن ترقی و تنزل قدرت خرید طلا در بازار نیست.

۱- واژه «تولید ناخالص ملی» یکی از پرکاربردترین واژه‌های عرصه سیاست‌گذاری عمومی است. معنای این واژه عبارت است از مجموع ارزش پولی کالاها و خدمات نهایی تولید شده در یک سال مشخص با استفاده از عوامل تولیدی که متعلق به شهروندان یک کشور می‌باشد. منظور از کالاها و خدمات نهایی نیز آن دسته از کالاها یا خدماتی است که به مصرف‌کننده نهایی فروخته می‌شود یا به هر طریق دیگر به دست او می‌رسد.

در این راه حل دو مطلب وجود دارد: یکی خلق و دیگری جعل؛ خلق، مایه‌ی کالایی پول است و جعل، دادن اعتبار پولی به آن است. ﴿الْحَمْدُ لِلَّهِ الَّذِي خَلَقَ السَّمَاوَاتِ وَالْأَرْضَ وَجَعَلَ الظُّلُمَاتِ وَالنُّورَ﴾^۱ حال اگر وامی بر مبنای این پول پرداخت شود، آئین نامه ﴿فَلَكُمْ رُءُوسُ أَمْوَالِكُمْ لَا تَظْلِمُونَ وَلَا تُظْلَمُونَ﴾^۲ در آن جاری است. زیرا ترقی و تنزل طلا در بازار ضمان آور نیست و ظلمی به وام گیرنده و وام دهنده نشده است. دلیل اعتبار کردن پول بر کالا این است که کالا تا آخر کالا است و روی ثباتش سال‌ها می‌شود حساب کرد؛ می‌توان با آن مهریه و قرض الحسنه را جاری کرد و طرفین متضرر نخواهند شد.

ممکن است این سؤال مطرح شود که اگر مردم اسکناس به بانک دهند و سکه بخواهند چه باید کرد؟ پاسخ این است که در مقابل

۱- انعام/ ۱: «ستایش برای خداوندی است که آسمانها و زمین را آفرید، و ظلمت‌ها و نور را پدید آورد»

۲- بقره/ ۲۷۹: «سرمایه‌های شما، از آن شماس است [= اصل سرمایه، بدون سود]؛ نه ستم می‌کنید، و نه بر شما ستم وارد می‌شود»

اسکناس کالا است نه سکه! سکه سنگ وزنه است و بوسیله ی آن تنها میزان کالای پشتوانه شده در حواله ی اسکناس مشخص می شود. دولت اعلام می کند که سکه به منزله ی خون در شریان اقتصادی جامعه است و همه شرایط نگهداری و نگهداری آن با نظام است و به هیچ وجه رها نیست.^۱

۱- در زمان یکی از رؤسای جمهور قبل، نامه ای در رابطه با روش اسلامی کردن پول به دفتر آن بزرگوار فرستاده شد. در مورد پشتوانه سکه برای پول، بنده خدایی که مطلب را بیان می کرد، نتوانسته بود به درستی تشریح کند که سکه تنها سنگ وزنه است و وسیله میزان کالای پشتوانه شده در اسکناس است، اما ایشان گمان کرد این روش منجر به تکرار کار آلمان و انگلیس و فرانسه در ۶۰ سال قبل می شود. واقعیت آن بود که آن کشورها پولشان به صورت اسکناس کاغذی با پشتوانه طلا بود اما جنگ جهانی اول مشکلاتی پیش آورد که این روند بهم خورد. جریان از این قرار بود که آلمانها به دلیل این که پشتوانه پولشان طلا بود متعهد بودند در مقابل پول کاغذی طلا بدهند؛ همانطور که ده تومانی ما تا سال ۱۳۲۰ معادل یک سکه پهلوی (دو مثقال طلا) قیمت داشت. در آلمان هر کس اسکناس مارک به بانک می داد، می توانست معادلش سکه بگیرد. یهودیان آلمان، مارک طلا را داخل عروسک جاسازی کرده و قاچاقی به آمریکا می فرستادند. این کار سبب شد ذخیره ارزی آلمانها که نتیجه کار و تلاش مردمشان بود از کشور خارج شود و به اعتبار و قدرت پولی

اسلام از هزار سال پیش با اختیاری کردن جریان معاملات و مبادلات با درهم و دینار یا کالاهای اساسی مصرفی مانند گاو و گوسفند و شتر، حساب ثابت ماندن قدرت پول را در اوضاع مختلف اقتصادی کرده و قدرت خرید آن را بیمه کرده است. گوسفند و گاو و شتر کالاهای

آنان در سطح بین الملل لطمه وارد سازد. بنابراین آنان راهی برای حفظ موجودی طلای خود نداشتند و مثل مرضی که خونش بند نیاید و در خطر مرگ باشد، برای حفظ خون خود، اعلام کردند طلا پشتوانه پولشان نیست و خروج آن را ممنوع اعلام نمودند. آمریکا هم بعد از این که ژنرال دوگل به فرانسویان گفت دلارهای خود را به معادل طلایی تبدیل کنند و به فرانسه بیاورند، مجبور شد پشتوانه کالایی را به پشتوانه اعتباری تبدیل کند و مثل آلمان تولید ناخالص ملی را پشتوانه مجموع پول قرار دهد. معلوم بود که آن‌ها پشتوانه ثابت طلا را برای اعتبار بخشیدن به پول خود و کنترل آن تأسیس کرده بودند و به عنوان شمارش نبود که هر اندازه اسکناس چاپ کنند، معادلش طلا به عنوان اعتبار داشته باشند. بنابراین وقتی دیدند که با پول اعتباری هم کارشان پیش می‌رود، طلای معادلی را تشریفاتی دانسته و تعهدشان را تغییر دادند و «تولید ناخالص ملی» را پشتوانه اسکناس فرض کردند. بقیه کشورها هم به تدریج این کار را کردند و از آن به بعد پول اعتباری به عنوان اختراع بشر در مبادلات مطرح و جهانگیر شد و هر کشوری که پشتوانه کالایی و خدماتی قوی تر داشت از پول سالم‌تری برخوردار بود. اما جریان به این صورت پیش نرفت!

اساسی مصرفی هستند که مثل قانون ظروف مرتبطه با همه‌ی کالاها در ارتباط می‌باشند. گوشت محکی ثابت برای سنجش ارزش پول است. اسلام با برابر دانستن دیه‌ی هزار دینار با هزار گوسفند، پولش را با قیمت گوسفند یکی کرده است. معنایش این است که اگر دینار کم شود، معادلش گوسفند داده خواهد شد و این به انتخاب صاحب دیه است. به عبارت دیگر دینار و گوسفند از نظر ارزش مساوی‌اند و از نظر دسترسی متفاوت می‌باشند. کسی که دیه بر ذمه‌اش است می‌تواند پول یا گوسفند و شتر و گاو، هر کدام به میزان خودش بدهد. تعامل بین دینار و گوسفند، عیناً مثل تعامل بین دو کالا است. چه چیز ثابت‌تر از قیمت گوسفند یا شتر و گاو است؟ شما ملاحظه کرده‌اید که چطور در حالت تورم، قیمت گوشت بالا می‌رود؟ حتی طلا وضعیتش مثل گوسفند نیست و گوشت آزادتر عمل می‌کند؛ زیرا دولت قیمت طلا را با عرضه آن کنترل می‌کند اما گوشت محک خوبی برای ارزش لحظه‌ای پول است.

اسلام برای ثابت نگاه داشتن قیمت پول خود، قوانین حمایتی خاصی وضع نموده تا نوسانات آن کنترل گردد؛ اولاً استعمال ظروف طلا را به دلیل این که سکه از طلا ساخته می‌شود ممنوع کرده تا از مصرف و دفینه شدن طلا به صورت ظرف جلوگیری شود و ذخیره‌اش برای ضرب سکه کمیاب نگردد. ثانیاً سکه را در صورت بیکار ماندن مشمول پرداخت زکات سالیانه قرار داده تا راکد نماند و شکوفایی اقتصادی به خطر نیفتد. ثالثاً با تعمیم دیه پول از طلا و نقره به گاو و گوسفند و شتر که مصرف اصلی جامعه هستند، پول و کالا را به صورت ظروف مرتبطه با یکدیگر در رفت و آمد قرار داده و عملاً قیمت پول را در جامعه با نوسانات گوشت زنده ثابت نگاه داشته است. ظرافت اینجاست که شارع، پول را به همهی کالاها مرتبط نکرده، بلکه آن را از طریق گوشت به سایر کالاها متصل کرده و واحد اندازه‌گیری قرار داده است و این هنر شارع است! با این مکانیزم، ما از مذاق شارع ثبات پول را استنباط می‌کنیم. اصولاً هم جامعه نمی‌تواند در انتظار بماند که کی آس انتظار ثبات پول پخته خواهد شد و کی واردات برابر

صادرات و مصرف معادل تولید می‌گردد تا ارزش پولش ثابت شود؟ حال آمدم و همه‌ی این‌ها محقق شد، عوامل معنوی مثل شوک‌های خارج از اراده حکومت را چه کنیم؟ شوک‌هایی که اثر آن از برابری عرضه و تقاضا بیشتر است.

در اسلام انتخاب عامل مبادله، به خاطر موضوعیت آن نیست بلکه طریقت آن یعنی ثبات پول مطرح است. به عبارت دیگر، توجه اسلام به طلا و نقره یا هر کالای دیگر بالعرض است. می‌گوید عامل مبادله هرچه باشد در اصل ثبات آن مورد نظر است. اگر زمینه‌ی کار با پول ثابت فراهم شود، از طلا و نقره و دلار قوی‌تر عمل خواهد کرد و وضع بهتر از ژاپن خواهد شد؛ زیرا پول ژاپن تنها بر اساس اقتصادش قوی شده اما پول اسلام علاوه بر اقتصاد قوی، به خاطر داشتن پشتوانه ثابت و غیر اعتباری از نظام اقتصادی جدا عمل می‌کند و بیماری پولی نظام سرمایه داری به آن سرایت نمی‌کند. مزیت دیگر پول کالایی این است که پاسدار اصاله انسان است و اخلاق و ارزش‌ها با آن تثبیت می‌گردد. هم چنین پول کالایی چون خارج از اقتدار دولت است، به

هیچ وجه امکان خلق پول در آن نیست و دولت‌ها نمی‌توانند برای آن کیسه بدوزند و تورم که ریشه در افزایش و خلق پول بر دارائی مردم دارد، در آن راه ندارد. در پول کالایی عیوب و مزایا بهتر آشکار می‌شود؛ یعنی دولت هرگاه دید پول ندارد بجای استقرار، اوراق قرضه منتشر می‌کند و یا صرفه‌جویی می‌نماید، اما در حال حاضر پول چون اعتباری است و امکان خلق و چاپ آن وجود دارد، ظاهراً خود را پولدار نشان می‌دهد و فقر را پنهان می‌کند؛ کاری که بی‌حسی آورده و خود بدترین درد است.

بنابراین ثبات پول اسلام به خاطر پشتوانه معین کالایی آن است که اگر نباشد، پول لحظه به لحظه اعتبار در اعتبار است. به عبارت دیگر وقتی متن پول کالاست به این معنی است که مثل کالا همیشه کالاست؛ مثل صد تن گندم همیشه صد تن گندم است. درست است که هفتاد و پنج تومان پول اعتباری همیشه هفتاد و پنج تومان است، اما هفتاد و پنج تومان صد سال قبل قدرت خرید خانه‌ای ششصد متری با بیست اتاق داشت و هفتاد و پنج تومان کنونی پول یک قضای حاجت

نیست! پول اعتباری چون دائم التغییر است، لحظه ای از ربا خلاصی ندارد و ذره ای امکان قرض الحسنه در آن نیست.

حل معما کافی نیست و اراده جمعی نیاز است

امام راحل رحمته الله گفتند: «کاری کنید پول کار نکند» و راهکار خواستند و آن بنده خدا معما را حل کرد. جواب معما را کسی داده که از اول تا آخر، مسأله را حل کرده و هر کس ملاحظه کند می فهمد که راه حل درست و جواب صحیح همین است. اما جواب صحیح به تنهایی راه حل معما نیست زیرا مجموعه‌ی نظام هم باید آن را بپذیرد. آیا موافقت امام راحل رحمته الله و چند مرجع تقلید عظیم الشان و چند استاد حوزه و دانشگاه برای این کار کافی است؟ خیر! این کار نیاز به اراده جمعی دارد و از عهده‌ی چند نفر بر نمی آید که آستین بالا زنند و مشکل را حل کنند؛ زیرا تا مجموعه‌ی نظام خود را از بند علوم انسانی غرب نجات ندهد، به این راه حل نمی رسد. این علوم انسانی غرب است که

مشاهده زندانی بودن دوستان در آن رنج آور است و شعری که در ابتدا آورده شد زبان حال این رنج ایشان است:

بگرفته آسـمان مرا ابر پاره ای

روشن نمی کند قفسم را ستاره ای

مهپاره ای به ظلمت جسم فکند و رفت

چون در فضای نیـمه شبی ماهواره ای

الحق عاشقان علوم انسانی غرب، مهپاره ای جز آن نمی دیدند و حالا

همان مطلب به حبسشان افکنده است. در همین ظلمتِ حبس است که

فرق بین پول اعتباری و پول کالایی را متوجه نمی شوند و در ظلمت

این عدم تشخیص گرفتار آمده اند. در همین ظلمت حبس است که

اگر مرجعی اسم قرض الحسنه بدون بهره و یا پول بدون تورم بیاورد،

مقلد عاشق او می گوید: ﴿إِنَّ أَبَانَا لَفِي ضَلَالٍ مُّبِينٍ﴾!؛ همان حرفی که

پیامبرزادگان (برادران یوسف) به پیامبر خدا حضرت یعقوب عَلَيْهِ السَّلَام

گفتند! همین ظلمت حبس مردم در علوم انسانی غرب بود که امام

راحل رضی الله عنه را قانع کرد حکم حقیقی اسلام را بگوید و بگذرد و فعلاً حکم ثانوی که قانون فعلی است اجرا شود تا کی مسئولان از این ظلمت حبس خارج شوند؟ این همه زجری که داریم سالیان دراز از این بانکداری بدون ربا می کشیم شاید برای این باشد که ما که می خواهیم طیب این امراض باشیم، بهتر است سخت ترین مرض را تجربه کنیم تا داروی درد را کشف کرده باشیم! مردم باید بر امام راحل عظیم الشان و به رهبر یقیناً عدیل او بنازند و وحدت خود را حفظ کنند. آن روزی که نقشه راه در عمل به همه‌ی اهل عالم نشان داده شود، میلیون‌ها برابر سود برده‌ایم.

هر جا با امام رفتیم به همه جا رسیدیم

ما در جریان دفاع مقدس و مسأله‌ی سلمان رشدی همه چیز داشتیم و انگیزه برای هزینه‌ی همه چیز مهیا بود و هزینه شد و نتایج بزرگ از قیام مسلمانان و شکستن ابّهت ابر قدرت‌ها بردیم. اما در فاصله‌ی میان حکم اولیه اسلام در باره بانکداری و حکم ثانوی، اولاً ما تهیدست محض

بودیم، ثانیاً انگیزه برای صرف هیچ هزینه ای نداشتیم، ثالثاً ذره المثقالی انفاق و اتفاق در آن همانند دو جریان دیگر صورت نگرفت؛ حال انتظار چه پیروزی و درآمد بزرگ از قانون بانکداری و از نتایج آن داریم؟ ما در فاصله زمان بین الحُکَمَینِ بانکداری و بعد از فرمان لازم الاتباع امام علیه السلام که فرمودند: «کارشناسان و علما در این مسأله بسیار فعالیت کرده و نظام و اسلام را از این گرفتاری نجات دهند»، چه تلاش علمی و تحقیقی کردیم تا سود کلانی برده باشیم؟ آیا عالمی در حوزه یا استادی از دانشگاه، دیده یا شنیده‌اید مطلبی گفته باشد؟ چه مقاله علمی نوشته شد؟ چه کسی برخواسته ی امام علیه السلام تأکید کرد؟ آیا غیر از سکوت سنگین چیزی به چشم می‌خورد؟ ممکن است کسی و حتی کسانی عمر خود را هزینه کرده باشند و حتماً هستند، اما زمستان با یک گل بهار نمی‌شود.

در جنگ، تبلیغات جبهه با تیراژ زیاد صحبت‌های جنگ را منتشر می‌کرد و جراید و رسانه ملی تلاش زیادی کردند که قابل تقدیر است. در مسأله ی سلمان رشدی هر جایی گفتگو می‌شد و یک موجود

بی ارزش مثل او را خدا وسیله‌ی وحدت و عظمت اسلام قرار داد. اما در مسأله‌ی بانک‌ها کسی حرفی نزد و معنایش این بود که فرهنگ غرب در عالم ریشه زده و ما توانایی شکستن این حلقه را نداریم! هر کس بگوید جواب خواص اعم از حوزه و دانشگاه و مسئولین غیر از این بود، دلیل بیاورد! نتیجه آن شد که سال‌ها پول اسلامی را بر خود حرام کردیم و درب کار کردن پول را باز گذاشتیم. فراموش نکنیم هر جا با امام رفتیم به همه جا رسیدیم و هر جا نرفتیم، چوبش را خوردیم. ما نان جنگ و نان فرمان علیه سلمان رشدی را خوردیم اما در موضوع بانک نشستیم و زل زل به امام علیه السلام نگاه کردیم تا امام بگوید: «رَبِّ اِنِّي لَا اَمْلِكُ اِلَّا نَفْسِي» و خدا هم پاسخش بدهد: «پس چهل سال محروم می‌شوند!» ما در مدت محرومیت از پول اسلامی، داریم همان محتوای زشت ربا را بارو کشی از فقه اسلامی تجربه می‌کنیم!

وضع امام علیه السلام در فرمان اول اقتصادی چقدر به وضع حضرت موسی علیه السلام شبیه است! آنجا موسی علیه السلام به قومش فرمود: «يَا قَوْمِ ادْخُلُوا الْأَرْضَ الْمُقَدَّسَةَ الَّتِي كَتَبَ اللَّهُ لَكُمْ وَلَا تَرْتَدُّوا عَلَىٰ أَدْبَارِكُمْ فَتَنْقَلِبُوا خَاسِرِينَ*»

قَالُوا يَا مُوسَى إِنَّ فِيهَا قَوْمًا جَبَّارِينَ وَإِنَّا لَنَ نَدْخُلُهَا حَتَّىٰ يَخْرُجُوا مِنْهَا فَإِن يَخْرُجُوا مِنْهَا فَإِنَّا دَاخِلُونَ * ... * قَالُوا يَا مُوسَى إِنَّا لَنَ نَدْخُلُهَا أَبَدًا مَا دَامُوا فِيهَا فَادْهَبْ أَنْتَ وَرَبُّكَ فَقَاتِلَا إِنَّا هَاهُنَا قَاعِدُونَ * قَالَ رَبِّ إِنِّي لَا أَمْلِكُ إِلَّا نَفْسِي وَ أٰخِي فَأَفْرُقْ بَيْنَنَا وَ بَيْنَ الْقَوْمِ الْفَاسِقِينَ * قَالَ فَإِنَّهَا مَحْرَمَةٌ عَلَيْهِمْ أَرْبَعِينَ سَنَةً يَتِيهُونَ فِي الْأَرْضِ ...^۱

اینجا هم امام به ما وعده بهشت موعود می داد؛ وعده جامعه ای که در آن قرض الحسنه حقیقی، هر انسان مدیر بالقوه را بالفعل می کند و ریشه فقر کننده می شود. امام علیه السلام می گفت: ای مردم در اسلام پول کار نمی کند؛ اسلام دین مهربانی و یاری است و کار کردن پول، بهره کشی

۱- مانده / ۲۱ و ۲۲ و ۲۴ و ۲۵ و ۲۶: «ای قوم من، به سرزمین مقدّسی که خداوند برای شما مقرر داشته است در آید، و به عقب بازنگردید که زیانکار خواهید شد. گفتند: ای موسی، در آنجا مردمی زورمندند و تا آنان از آنجا بیرون نروند ما هرگز وارد آن نمی شویم. پس اگر از آنجا بیرون بروند ما وارد خواهیم شد... گفتند: ای موسی، تا وقتی آنان در آن [شهر] ند ما هرگز پای در آن ننهیم. تو و پروردگارت بروید] و جنگ کنید که ما همین جا می نشینیم. [موسی] گفت: پروردگارا! من جز اختیار شخص خود و برادرم را ندارم، پس میان ما و میان این قوم نافرمان جدایی بینداز. [خدا به موسی] فرمود: [و ورود به] آن [سرزمین] چهل سال بر ایشان حرام شد، [که] در بیابان سرگردان خواهند بود. پس تو بر گروه نافرمانان اندوه مخور»

است.^۱ اما به ایشان گفتند همه‌ی عالم مشغول سود خوری هستند و در این مجموعه کلیه‌ی راه‌ها بسته شده و ما زورمان به عالم نمی‌رسد. پس ای امام خودت و پروردگارت بروید و با مؤسسات و غول‌های اقتصادی جهانی بجنگید و ما این جا راحت نشسته‌ایم! این جا امام علیه السلام جز به خدا به چه کسی پناه ببرد؟ پس با زبان حال گفت: «خدایا هیچ کس در مسأله پول کار نکردن کمک من نمی‌کند!»

مردم سهم خود را در جنگ و در جریان سلمان رشدی خوب ادا کردند اما در مسأله بانکداری مردم کاری از دستشان بر نمی‌آمد! امام راحل علیه السلام وقتی دید مسئولین و بانک و اساتید و سرمایه دارانی که

۱- «اگر ربا در یک کشوری مثل کشور ما خدای نخواست باز در بانکش باز در تجارتش در بین مردمش باشد ما نمی‌توانیم بگوییم که جمهوری‌مان جمهوری اسلامی است و محتوی جمهوری اسلامی است. از این جهت باید کارشناسان و علما در این مسأله بسیار فعالیت کنند دقت کنند که ما را از این گرفتاری نجات دهند و ملت هم باید توجه بکنند از این که مواجه هستند با یک همچو چیزی که قرآن کریم می‌فرماید: فَأَذْنُوا بِحَرْبٍ مِنَ اللَّهِ وَرَسُولِهِ. اعلام جنگ بکنید با خدا و اگر چنانچه بانکداری به آن معنایی که در جاهای دیگر هست رواج پیدا بکند، مردم از صنعت و کار و سایر چیزها باز می‌مانند و می‌نشینند توی خانه‌ها و پولشان برایشان کار می‌کند و حال آن که پول نباید کار بکند» (بیانات امام در جمع وزرای امور اقتصادی دارایی کشاورزی و رئیس بانک مرکزی - ۶۳/۲/۲۵)

بانک با پول آن‌ها می‌چرخد او را همراهی نمی‌کنند، گفت: خدایا خودم هستم و فقرا و از جان گذشته‌ها! خدا هم آن چه به موسی عَلَيْهِ السَّلَامُ وعده فرموده بود، این جا نیز عملی شد؛ ﴿فَإِنَّهَا مُحَرَّمَةٌ عَلَيْهِمْ أَرْبَعِينَ سَنَةً يَتِيَهُونَ فِي الْأَرْضِ...﴾^۱ یعنی حال که چنین شد و به جای پول کار نکردن به کار کردن پول افتادید، سال‌ها روی قرض الحسنه و معامله بدون بهره را نخواهید دید و همین طور هم شد؛ یعنی نظام اسلامی به قانون آزادی کار کردن پول افتاد و آن را تحت عنوان قانون بانکداری بدون ربا نظام مند کرد! ما در مسأله‌ی بانکداری و پذیرفتن کار کردن پول، از امام جدا شدیم و تا حسابمان را در اقتصاد از غرب جدا نکنیم از ربا خلاص نمی‌شویم.

ربا در جامعه نظام ترازویی ایجاد می‌کند

اعتبار کجا و کالا کجا؟ اعتبار بخاری است که از روی کالا بلند می‌شود و مثل ابری است که از همه طرف در حال تغییر است و روی

۱- مائده/۲۶: «این سرزمین (مقدس)، تا چهل سال بر آنها ممنوع است (و به آن نخواهند

رسید)؛ پیوسته در زمین (در این بیابان)، سرگردان خواهند بود...»

هیچ لحظه‌ی آن نمی‌شود حساب کرد. با پشتوانه قرار گرفتن تولید ناخالص ملی و فراگیر شدن پول رایج جهانی، غرب از خون ریزی درونی و برون رفت خون از بدنه نظام اقتصادی خود جلوگیری کرد اما از روی سطح ثابت به روی سطح متغیر افتاد و باعث ورود ویروس خانمان برانداز ربا در سیستم گردید. در قانون ظروف مرتبته، اگر ظروف روی سطح ثابت باشند، مایعات دائم التعداد هستند و تا یکی از دیگری کمتر شود بلافاصله از آن که بیشتر دارد می‌گیرد تا تعادل و هم سطحی برقرار گردد. اما ظروف مرتبته‌ی روی ترازو حالت ممتنع التعداد دارند؛ یعنی اگر برای هم وزنی و هم سطحی تا یک صدم قطره هم تلاش شود و فقط توانایی صفر کردن نباشد، تعادل به هم می‌خورد و همان طرفی که یک صدم قطره بیشتر دارد، کفه‌اش پایین می‌رود و به همان نسبت از کفه‌ای که بالاتر رفته به سمت کفه سنگین‌تر سرازیر می‌گردد و هر چه اختلاف سطح بیشتر شود شدت جریان افزایش می‌یابد و بالاخره بعد از چندی یک طرف در طرف دیگر بطور کامل تخلیه می‌گردد! پول رایج جهانی ملازم با رباست و کار با آن، قرار دادن فقیر و غنی روی ترازو است. نظام اجتماعی مثل ظروف مرتبته است؛ اگر دائم التعداد باشد به حیات خود ادامه می‌دهد، اما اگر ممتنع

التعادل باشد، نهایتاً یک طرف از شدت پُری و دارایی و دیگری از شدت گرسنگی و نداری از حرکت باز می‌ایستند!

انتقال از تکیه گاه ثابت به تکیه گاه متغیر، غرب را از بند نیامدن خون نجات داد، اما با خطر «یا همه یا هیچ» مواجه کرد.^۱ اسلام می‌گوید اگر امنیت یک نفر از میان برود دیگر خبری از امنیت نیست. می‌گوید در نظام اجتماعی، یک مساوی همه است. قرآن در مسأله بقای نظام، یک قتل را مساوی با قتل همه دانسته است؛ ﴿مَنْ قَتَلَ نَفْسًا بِغَيْرِ نَفْسٍ أَوْ فَسَادٍ فِي الْأَرْضِ فَكَأَنَّمَا قَتَلَ النَّاسَ جَمِيعًا﴾^۲ می‌گوید آن چنان در مقابل یک قتل ایستادگی کنید گویا می‌خواهید در مقابل قتل همه‌ی نظام بایستید. وقتی به علی علیه السلام گزارش دادند در نزدیکی مرز، خلخال از پای زن یهودیه برداشته‌اند، از شدت ناراحتی در حالی که

۱- الان جنبش وال‌استریت با شعار ۱ درصد و ۹۹ درصد، مثالی بارز از سرنوشت پول اعتباری برای ماست. غرب با اعتباری کردن محض پول به وضعیت ممتنع التعادل افتاده است. در کشور ما تقریباً سیزده نوع تنوع آب و هوایی وجود دارد. معادن عظیم نفت، گاز، طلا، مس، و سنگ و ... و همچنین جوانانی که بزرگترین سرمایه‌کشورند را به هیچ گرفته و

با بوق و کرنا چشم دوخته‌ام تا سود پول معجزه بیافریند!

۲- مائده/۳۲: «هر کس، انسانی را بدون ارتکاب قتل یا فساد در روی زمین بکشد، چنان است که گویی همه انسان‌ها را کشته»

عبایش روی زمین کشیده می‌شد، به مسجد آمد و گفت: «اگر انسان از این یک غصه بمیرد سزاوار است!» ایشان يك را مساوی با همه می‌دیدند!

وقتی ربا خوار به خود اجازه می‌دهد ربا بگیرد، او خود و مردم را روی ترازو برده است. با یک درهم اول ربا، نهایتاً ربا دهنده تهیدست و ربا گیرنده بی هیچ زحمتی ثروتمند می‌شود. برای همین است که قرآن خوردن یک درهم اول ربا را برابر هفتاد زنا با محارم دانسته و آن را اعلان جنگ با خدا و رسول معرفی کرده است. یعنی هر آنچه که یک صدم قطره بر سر آب‌های مرتبط می‌آورد، در یک درهم ربا هم همان طور می‌شود؛ زیرا مهم مقدار ربا نیست، مهم حلیت و قانونی شدن آن است. از نظر ربا خوار و نه از نظر شرع و مردم، وقتی ربا خوار به خود اجازه می‌دهد ربا بگیرد، معنایش این است که خودش و وام گیرنده را روی کفه های ترازو برده تا تمام هستی وام گیرنده به او منتقل شود. حال آیا گناهی هست که این مرتکب نشود و خطایی هست که وام گیرنده تسلیم آن نگردد؟

ربا در گذشته اختیاری بود و اگر طرف می‌خواست می‌گرفت یا نمی‌گرفت اما در نظام بانکی غرب که ما دنباله رو آن‌ها هستیم، ربا

لازمه‌ی ذاتی اقتصاد است و پول دائماً کار می‌کند و برای هر کار مزد و بهره‌اش را مطالبه می‌کند. کسی که پولش در کار رباست، از آسمان و زمین و جلو و پشت و راست و چپ، سود بر او ریزش می‌کند؛ به حدی که نمی‌تواند حسابش را بکند! چه کسی می‌تواند با این تجارت بی‌ریسک رقابت کند؟ الآن در غرب دانشمندانی متوجه خطر بهره شده و دنبال صفر کردن آن هستند و چه بسا موفق شوند، اما ما خودمان را فریب ندهیم زیرا نظام آن‌ها ممتنع‌التعادل است و مداوای جزیی مثل یک گل است و جهان و جامعه با یک گل بهار نمی‌شود، دانشمندان دیگری نیز در غرب هستند که نظریاتشان را با ادیان الهی مطابقت داده‌اند و دنبال حذف ربا هستند.^۱

۱- دکتر ولفگانگ برگر آلمانی از جمله کارشناسان اقتصادی است که نظریاتش را با ادیان الهی مطابقت داده است. او معتقد است بهره را یک دفعه و در یک مرحله باید حل کرد و در غیر این صورت باعث اتلاف وقت و هدر رفتن هزینه‌ها می‌شود. می‌گوید اگر ربا حذف شود، لایه‌های پایین جامعه سریعاً رشد نموده و خود را به لایه‌های متوسط خواهند رساند. ایشان در مقاله‌ای که در دانشگاه شیراز منتشر شد تحت عنوان «سکوتی آهین» به مسأله ربا می‌پردازد و حضرت آیه الله حائری شیرازی بر مقاله ایشان توضیحاتی ضمیمه کرده‌اند. ایشان به دعوت دفتر نماینده ولی فقیه و امام جمعه شیراز، در دانشگاه شیراز پیرامون راه حل بهره سخنرانی کرد.

راه های تجربه شده در ارتباط با پول و بانک

بانک‌های عالم در رابطه با پول سه راه را تجربه کرده است:

۱- سکه مستقیماً پول باشد ۲- سکه پشتوانه پول باشد ۳- پول اعتبار در اعتبار باشد.

در راه اول و دوم، خطر بند نیامدن خون مطرح است یعنی مردم اسکناس به بانک می‌دهند و سکه مطالبه می‌کنند و این کار سبب خروج ذخیره ارزی از کشور می‌شود. تفاوت شرایط جدید و قدیم این است که در قدیم پول «مال» محسوب می‌شد و خونی خارج نمی‌شد که بند نیاید، اما اکنون کشوری که پولش اعتباری باشد، تمام کشورهایی که پولشان سکه یا سکه پشتوانه آنهاست را گرفتار خون ریزی می‌کند و طلای آنها به همان کشوری که پولش اعتباری است و منعی برای چاپ اسکناس ندارد منتقل می‌شود. راه سوم راه فعلی اقتصاد جهانی است که پول اعتبار در اعتبار است و ربا سگان دار کشتی اقتصادی است.

راه چهارم راه اهل اسلام است؛ راهی که در آن سکه واحد اندازه گیری و کالا پشتوانه پول است؛ راهی که پول نه سکه و نه مثل

وضعیت کنونی، اعتبار در اعتبار است و این اندیشه ای نو و تازه است. در این روش اولاً سکه واحد اندازه گیری است و پشتوانه نیست. ثانیاً کالا به طور مشخص پشتوانه‌ی اسکناس است و ارزش آن با سکه تعیین می‌شود. این وضعیت را مسامحتاً «سکه پشتوانه اسکناس» گوئیم؛ وضعیتی که کالا به اندازه و مبلغ مشخص پشتوانه هر قطعه اسکناس است و مشخص شدن ارزش کالایی اسکناس بعهد سکه است. در این روش بانک مرکزی رسماً اعلام می‌کند که خرید و فروش و خروج و دخول سکه به حیات و شریان اقتصادی بستگی دارد و به هیچ وجه سکه در مقابل اسکناس پرداخت نمی‌شود.

اگر ما پول اسلام را احیا کنیم، به دو دستاورد مهم دست خواهیم یافت. اولاً: پول از اعتباری محض نجات می‌یابد و خطرات آن را نداریم. ثانیاً: ارزش هر قطعه اسکناس دقیقاً از تولید ناخالص ملی بوسیله سنجش با سکه مشخص می‌گردد. مثلاً روی اسکناس می‌نویسند معادل یک ده هزارم سکه ارزش دارد؛ این در حالی است که به هیچ وجه در مقابل اسکناس سکه پرداخت نمی‌شود؛ با این کار تا

هزار سال چنین پولی پول است و در مبادلات بین‌المللی معادل آن از هر کالا و خدماتی که داریم می‌فروشیم. در این روش اسکناس سکه نیست اما از سکه هم جدا نمی‌باشد و مثل سایه دنبال آن است و یک سال و ده سال و صد سال و هزار سال هم بگذرد، حدّ و حدود ارزش آن با سایر اجناس در تغییر نوسانی و رفت و برگشت است و اسکناس عین کالا با کالاهای دیگر مبادله می‌شود و قرض دادن و قرض گرفتن بدون هیچ بهره‌ای، شدنی است. در آن زمان مضاربه هم صورت می‌گیرد و مشارکت طرفینی در سود و زیان حالت رفت و برگشتی دارد.

این یک نظام پولی دائم‌التعادل، تضمینی، عقلایی، فقهی و فقهایی است و نظریه‌ای ذهنی نمی‌باشد، زیرا کار نکردن پول، فقط در پول کالایی، شدنی است. حرف‌های امام راحل علیه السلام مثل معجزه است! وقتی می‌گوید «کاری کنید پول کار نکند»، یعنی پول را از اعتباری محض نجات دهید و این تنها راه نجات است. فراموش نکنیم هر جا با

امام و مقام معظم رهبری رفتیم به همه جا رسیدیم و هر جا از جایمان تکان نخوردیم چوبش را خوردیم!

امام راحل فتوای یافتن نقشه راه را از اول انقلاب دادند

قبل از انقلاب، مردم وقتی چیزی دستشان نبود، به مدت سی و هفت سال از ۱۳۲۰ تا ۱۳۵۷، پول کالایی بی سر و صدا به پول اعتباری محض (اعتبار در اعتبار) تبدیل شد اما نه بازار و نه دانشگاه و نه حوزه هیچ کدام حساس نشدند؛ یعنی پولی شد که لازمه اش کار کردن بود. بعد از انقلاب امام راحل رحمته الله حکم اولی اسلام را در این زمینه اعلام کردند و گفتند «در اسلام پول نباید کار بکند. باید کارشناسان و علما در این مسأله بسیار فعالیت کنند، دقت کنند که ما را از این گرفتاری نجات دهند»^۱. با این حکم ایشان هم حکم اسلام را گفتند که «پول نباید کار کند» و هم دستور یافتن نقشه راه را دادند و گفتند

۱- (بیانات امام راحل در دیدار اعضای هیئت مؤسس بانک اسلامی ایران - ۵۸/۳/۱)

«کارشناسان و علما در این مسأله بسیار فعالیت کنند دقت کنند که ما را از این گرفتاری نجات دهند».

اما چه شده که تا کنون تکانی نخورده‌ایم! دلیلش روشن است. قرآن در آیه‌ی ﴿إِنَّ اللَّهَ لَا يُغَيِّرُ مَا بِقَوْمٍ حَتَّىٰ يُغَيِّرُوا مَا بِأَنْفُسِهِمْ﴾^۱، دلیل آن را بیان کرده است؛ دلیلی که مردم آن را در مسأله دفاع مقدس و جریان سلمان رشدی به خوبی به نمایش گذاشتند. در این دو جریان مردم خیلی کار و مجاهده کردند و خودشان را تغییر دادند؛ آنان دست از زندگی شسته و هر کار کوچکی که امام علیه السلام خواست صدها برابرش را تقدیم کردند؛ نتیجه آن شد که خداوند حال آنان را به همان نسبت تغییر داد و هواداری از انقلاب اسلامی توسط تمامی خلق‌های عالم را بعد از جنگ و بعد از جریان سلمان رشدی از طرف اهل عالم بخصوص مسلمانان پاداششان داد. اما در مسأله بانکداری، چه کار و مجاهده‌ای صورت گرفت؟ هر کس گفت این بانکداری حلال است،

۱- رعد/۱۱: «در حقیقت، خدا حال قومی را تغییر نمی‌دهد تا آنان حال خود را تغییر دهند.»

آقا شد و هر کس نامی از حکم اولیه امام راحل علیه السلام که حکم اسلام بود برد، منزوی گردید!

چه باید کرد؟

در شرایط کنونی که ارزش پول داخلی به شدت پایین می‌آید و دولت مجبور است نرخ بهره را بالا ببرد، باید خطرات پول رایج جهانی آقایان را به خود آورده باشد تا برای جلوگیری از بی اعتبار شدن بیشتر پول، از پول رایج جهانی فاصله گرفته و به فکر راه نجات باشند. نظام ما تاکنون موفقیت‌های زیادی در اقتصاد داشته است اما مردم انتظار دارند مشکلات حل شود و نظام آن را به خوبی‌های خود بیفزاید. طبق قاعده «لا ینتشر الهدی الا من حیث انتشر الضلال»^۱، باید از همان راهی که ضلالت کنونی در پول پیدا شد، از همان راه امور را اصلاح کرد. ضلالت کنونی از راه علوم انسانی غرب در پول پیدا شده و راه حلش

۱- ظاهراً این جمله از مرحوم آیت الله سید شرف‌الدین عاملی علیه السلام است.

این است که با عینک علوم انسانی اسلامی به پول رایج نگاه کنیم تا بتوانیم در سیستم بانکی تحوّل ایجاد کنیم.

رهبر بزرگوار انقلاب برای رفع مشکلات اقتصادی و تحقق مطالبات امام راحل، علم را از همان اول بدوش گرفته و به میدان آورده‌اند. ایشان در پیام نوروزی خود، با اشراف کامل بر علوم انسانی اسلامی و مسائل اقتصادی و شرایط آن، سال ۹۱ را سال «تولید ملی و حمایت از کار و سرمایه ایرانی» نامیدند و حقیقتاً بر تنها راه خروج از مشکلات اقتصادی و پول و رسیدن به مطالبات امام راحل علیه السلام انگشت گذاشتند. ایشان تنها راه خروج را بالا بردن تولید ملی از طریق حمایت از کار و سرمایه ایرانی دانسته و از مسئولان و مردم و همه خواستند تا سال جدید را ادامه‌ی سال «جهاد» اقتصادی قرار داده و اراده‌ها را برای تلاشی جهاد گونه در جهت ارتقای کمی و کیفی تولید ملی بسیج کنند. پیام نوروزی رهبر انقلاب (حفظه الله)، حلقه مفقوده‌ی تغییر پول از اعتباری به کالایی است و کشتی پر تلاطم پول اعتباری به جزیره امن و ثابت پول اسلامی خواهد رسید. زیرا تغییر پول از اعتباری به کالایی

و پول اسلام، به پشتوانه عظیم کالا و خدمات نیازمند است و این حرکتی جهادی همانند دفاع مقدس و جریان سلمان رشدی می‌طلبد تا همان نتایج گرفته شود. فتوای اخیر رهبر انقلاب، حقیقتاً حجت را بر همگان تمام کرده است و وظیفه دینی و وظیفه‌ی ایرانی و ملی است که به میدان آیند و از فرصت‌هایی که مثل باد می‌گذرد استفاده کنند و به مردم و کشور خود خدمت نمایند و نقدینگی‌های کوچک و بزرگ خود برای نجات اقتصاد کشور و انقلاب، به سمت سرمایه‌گذاری و تولید کالا و خدمات و ایجاد کار هدایت کنند و دولت و مجلس را در اجرای منویات رهبر انقلاب یاری دهند که راه دیگری جز اصرار و استقامت بر مطالبات امام راحل و رهبر معظم انقلاب نیست. ﴿تَعَالَوْا إِلَىٰ كَلِمَةٍ سَوَاءٍ بَيْنَنَا وَبَيْنَكُمْ أَلَّا نَعْبُدَ إِلَّا اللَّهَ وَ لَا نُشْرِكَ بِهِ شَيْئًا وَ لَا يَتَّخِذَ بَعْضُنَا بَعْضًا أَرْبَابًا مِنْ دُونِ اللَّهِ﴾^۱

۱- آل عمران/۶۴: «بیاید به سوی سخنی که میان ما و شما یکسان است؛ که جز خداوند یگانه را نپرستیم و چیزی را همتای او قرار ندهیم؛ و بعضی از ما، بعضی دیگر را -غیر از خدای یگانه- به خدایی نپذیرد.»